



پاسخ خودارزیابی‌های درس ششم

۱) در ابیات زیر لف و نشرها را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

الف) اگر ز خلق ملامت و گرز کرده ندامت کشیدم، از تو کشیدم، شنیدم، از تو شنیدم (مهرداد اوستا)

- این بیت لف و نشر نامرتب (مشوش) دارد.

لفها	نشرها
۱- ملامت	۲- شنیدم
۲- ندامت	۱- کشیدم

ب) فرورفت و بررفت روز نبرد به ماهی نم خون و بر ماه گرد (فردوسی)

- این بیت لف و نشر مرتب دارد.

لفها	نشرها
۱- فرورفت	۱- به ماهی نم خون
۲- بررفت	۲- بر ماه گرد

پ) دل و کشورت جمع و معمور باد! ز ملک پراکندگی دور باد! (سعدی)

- این بیت لف و نشر مرتب دارد.

لفها	نشرها
۱- دل	۱- جمع
۲- کشورت	۲- معمور

ت) با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (فرخی یردی)

- این بیت لف و نشر مرتب دارد.

لفها	نشرها
۱- جیب	۱- مال
۲- جام	۲- می

۲) در ابیات زیر آرایه تضاد را مشخص کنید.

الف) هر چه جز بار غمت بر دل مسکین من است برود از دل من، وز دل من آن نرود (حافظ)

- برود، نرود (تضاد فعلی از زیباترین تضادهاست).

ب) کسی با او نه و او با همه کس نماند هیچ کس، او ماند و بس (خواجوی کرمانی)

- نماند، ماند (تضاد فعلی از زیباترین تضادهاست) / کس و هیچ کس / کسی با او نه (نیست)، او با همه کس (است)

پ) در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید: والسلام (مولوی)

- تضاد: پخته، خام

ت) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی (سنایی)

- تضادها: بیشی، کمی / بگاهی، فزایی



ث) شکر ایزد که به اقبال گُلّه گوشه گل نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد (حافظ)

- تضاد: گل، خار

۳) متناقض نما را در ابیات زیر بیابید.

الف) ز کوی یار می آید نسیم باد نوروژی از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی (حافظ)

- مدد خواستن از باد برای برافروختن چراغ پارادوکس دارد؛ چون باد چراغ را خاموش می کند.

ب) فلک در خاک می غلتید از شرم سرافرازی اگر می دید معراج ز پا افتادن ما را (بیدل دهلوی)

- «غلتیدن فلک در خاک» متناقض نما دارد چون فلک نمی تواند به زمین بیاید و در خاک بغلند. «شرم سرافرازی» پارادوکس دارد چون شرم موجب سرافکندگی می شود نه سرافرازی و سربلندی. «معراج ز پا افتادن» نیز پارادوکس دارد. چون «معراج» یعنی بالا رفتن و «از پا افتادن» به معنی زمین گیر شدن است. به بیان بهتر هم زمان نمی توان هم عروج کرد و هم از پا افتاد و زمین گیر شد.

پ) عجب مدار که در عین درد خاموشم که درد یار پری چهره عین درمان است (فروغی پستامی)

- «درد» خود عین درمان باشد یا «عین درمان بودن درد»، پارادوکس دارد.

۴) در شعر فرخی یزدی در خود ارزیابی (۱) یک اختیار شاعری «زبانی» بیابید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

پایه های آوایی	با	آن	ک	جیب	ب	جا	م	م	نَز*	ما	ل	می	ت	هیست
	ما	را	فد	را	غ	تیب*	ست	ک	جم	شید	د	جم	ت	داشت
نشانه های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
وزن واژه	مستفعلن			مفاعله			مستفعلن			فعل				

✍️ **اختیارات زبانی:** شاعر از اختیار زبانی حذف همزه در هجای ۹ مصراع اول، هجای ۷ مصراع دوم و هجای پایانی مصراع اول استفاده کرده است.